

تبیین مفهومی «ضرر» و توسعه آن از منظر فقه تربیتی با محوریت «آیه مضاره»*

□ مریم برقی**

□ زهرا راستی****

چکیده

تربیت فرزندان و احکام مربوط به آن، از موضوعات مهم فقهی است که ابعاد آن، از لابلای ادله و منابع دینی، قابل استخراج است. آیه ۲۳۳ سوره بقره یا «آیه مضاره»، یکی از این ادله است که در مقالات، از منظر «فقه تربیتی»، بدان توجه نشده است. در استناد به این آیه، تأملاتی وجود دارد. در این آیه، ضرر به چه کسی اراده شده؟ آیا می‌توان در مباحث فقه تربیت بدان استناد نمود؟ آیا ضرر، اختصاص به ضرر ترک رضاع دارد یا قلمرو مفهومی این کلمه، شامل سایر اقدامات ایجابی و ترک فعل‌های والدین نیز، می‌شود؟ آیا ضررهای غیرجسمانی، معنوی و اخروی هم مشمول تعبیر «لاتضرار» می‌گردد؟ نتایج تحقیق، نشان داد که بنابر دومعنی از احتمالات آیه، که با وجوهی تقویت می‌شود، ضرر به فرزند مفروض است و بدین ترتیب این آیه، جایگاه ویژه‌ای در ادله قرآنی مباحث فقه تربیتی می‌یابد. مفهوم ضرر در آیه، با توجه به دلایلی همچون الغاء خصوصیت، مخصص نبودن ذکر مصداق اظهر و استفاده از قیاس اولویت، بر مصادیق دیگر غیر از ارضاع در ساحت تربیت جسمی و نیز ساحت‌های دیگر تربیتی صادق است و علاوه بر امور جسمی، اموری که متعلق به تربیت روحی - روانی کودک است را نیز، دربرمی‌گیرد. با توجه به معنای عرفی ضرر و نیز مصداق

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۲/۲۶؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۵/۱۸.

** گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية، قم، ایران: (borgheie@hoda.miu.ac.ir)

*** دانش‌پژوه دکتری فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية، قم، ایران (نویسنده مسئول): (zahra.rasti@isu.ac.ir)

مذکور در آیه، این واژه بر ترک فعلی که منجر به ضرر کودک می‌شود نیز، صادق است. هدف از این پژوهش، که به شیوه تحلیلی - اسنادی، با تتبع در منابع، ادله و آرای فقهای امامیه انجام شد، توسعه قلمرو مفهومی ضرر در این آیه است تا بتوان در استنادات احکام فقهی تربیت، از آن استفاده نمود.

واژگان کلیدی: والدین، رضاع، ضرر، تربیت جسمی، تربیت روحی، ترک فعل ضرری.

مقدمه

یکی از ادله مورد استفاده در مباحث فقه تربیتی، برای اثبات وجوب تربیت، «آیه مضاره» است که در متون فقهی و پژوهش‌ها، بیشتر از منظر وجوب یا استحباب شیردهی مادر به فرزند و مباحث پیرامون، بدان پرداخته می‌شود. این آیه، از اهم آیات تربیتی است که در آن، مباحث گوناگون تربیتی وجود دارد. فهم معنای ضرر، در این آیه، در پاسخگویی به بخشی از مسائل فقه تربیت و تعیین تکلیف تربیتی پدر و مادر، تاثیرگذار است. در فقه اسلامی، قاعده "لا ضرر"، یکی از قواعد پرکاربرد، در استنباط احکام و دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. در عین حال، به لحاظ قلمرو مفهومی ضرر، در این قاعده، محدودیت‌هایی وجود دارد و لازم است این موارد در آیه فوق‌الذکر، به بحث گذاشته شود. تأمل در آیه شریفه، از این حیث که ضرر به والدین مراد است یا به فرزندان، از مباحثی است که در کتب فقهی و تفسیری به تفصیل بیان گردیده و به تبع آن، بررسی مفهوم و مصداق ضرر، برای تبیین قلمرو این واژه و تعیین انواع ضرر مراد در آیه، معنا پیدامی‌کند.

بیان مسأله

تحقیق حاضر، درصدد پاسخ به این سوالات است که در این آیه، ضرر به کدامیک از فرزندان یا والدین اراده شده است؟ مفهوم و مصداق «لا تضار» در این آیه، چگونه تبیین می‌شود؟ آیا "ضرر"، به ضرر حاصل از ترک رضاع اختصاص دارد یا می‌توان قلمرو مفهومی این کلمه را، توسعه داد و شامل سایر اقدامات ایجابی نظیر نوع تغذیه، استفاده از انواع ویتامین‌ها، تزریق واکسن و... دانست؟ آیا ضررهای غیرجسمانی، معنوی و اخروی هم، مشمول تعبیر «لا تضار» می‌گردد؟ علاوه بر آن، آیا ضرر در این آیه، شامل ترک‌های ضرری نظیر ترک

فعل‌های آسیب‌زا و... نیز می‌شود؟ پاسخ به این سؤالات، در قلمرو استدلال فقهی به آیه، در مباحث فقه تربیت تاثیرگذار است.

پیشینه

در مقاله «رضاع مادر در قرآن کریم؛ تبیین احکام مقرر در آیه ۲۳۳ بقره» (امامی، قرآن، فقه و حقوق اسلامی) احکام شیردادن، حکم تکلیفی، مدت و شرایط رضاع، مطلقه بودن مادر، حق مادر و اخذ اجرت رضاع، مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله دیگر، «بررسی دلالت‌های تربیتی آیه ۲۳۳ بقره، بازتاب آن در سیره فاطمی» (حسینی، مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی) طی مطالعه تفسیری آیه، نقش مادران مسلمان در جامعه اسلامی و انعکاس اعتدال در سیره فاطمی، تبیین شده است. لکن براساس بررسی‌های انجام‌شده، از نگاه فقه تربیتی به معنای اعم از ملاحظات جسمی و روحی و ناظر بر مفهومی گسترده‌تر از شیردهی طفل، به‌ویژه با محوریت ضرر، مقاله‌ای یافت نشد.

یافته‌های پژوهش

از مباحث محوری ذیل عنوان فقه تربیت، حکم تکلیفی تربیت است. در مجموع می‌توان چنین گفت که فقیهان بزرگوار از باب حضانت و غیر آن، به وجوب تربیت و تکلیف الزامی والدین در این زمینه، نظر داده‌اند. گرچه در قلمرو آن، اختلاف دیدگاه وجود دارد. یکی از ادله‌ی عام در باب اثبات وجوب تربیت، آیه مضاره است. در فرازی از این آیه، خداوند می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ»، برای پاسخ به سؤالات تحقیق، تامل در معنای این فقره از آیه، لازم است.

دیدگاه مفسران، در تفسیر «آیه مضاره»:

در کتب تفسیری، سه نظر درباره تفسیر آیه فوق مشاهده می‌شود:

۱. گروهی از مفسرین، این آیه را مربوط به روابط زوجین می‌دانند و در ترجمه آن، نهی از ضرر زدن زوجه به زوج، به سبب ولد را، بیان کرده‌اند؛ چنان‌که در فقره دوم می‌فرماید زوج

نیز، به سبب ولد، به زوجه ضرر نزنند (طوسی، بی تا: ۲/۲۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۲۴۱).

۲. گروهی دیگر، مراد آیه را پرهیزدادن از ضرر به کودک، در حال ازدواج یا در حال طلاق می‌دانند. مادر، نباید به خاطر تحت فشار قراردادن پدر، از شیردادن به فرزندش خودداری کند و پدر نیز، نباید کودک را از مادرش بگیرد؛ چراکه کودک متضرر خواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۸۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/۳۵۸؛ امین، بی تا: ۲/۳۳۵).

۳. برخی از مفسرین، با بیان معنای نهی از ضرر زدن به کودک و هر یک از والدین به یکدیگر، حمل آیه بر هر دو معنا را اولی دانسته و آنها را منافی یکدیگر ندیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۸۷؛ صادقی، ۱۴۰۶: ۴/۹۰؛ طیب، ۱۳۶۹: ۲/۴۷۲).

به نظر می‌رسد دو معنایی که مطرح شده، ارتباط زیادی با یکدیگر دارند و تفکیک آنها تصویر روشنی ندارد. این مطلب در بعضی از تفاسیر، بوضوح دیده می‌شود (رازی، ۱۴۲۰: ۶/۴۶۲).

دیدگاه فقیهان درباره معنای «آیه مضاره»

در معنای آیه و استنباط حکم فقهی از آن، همین اختلاف دیده می‌شود که در قالب نظرات یا وجوه محتمل فقهی قابل توجه است و برای هر یک نیز، ادله یا قرائن مؤید، می‌توان اقامه نمود.

دیدگاه اول: حرمت ضرر رساندن والدین به یکدیگر، به سبب فرزند

بعضی از فقیهان معنای ضرر زدن زوجین به یکدیگر^۱ را بیان نموده و معتقدند این آیه، صغرای اضرار را (ترک مباشرت با زوجه) ثابت کرده و در نتیجه می‌توان، به عموماًت "لاضرر" تمسک جست؛ همچنین، دلیل مستقلاً بر حرمت مضاره زوج به زوجه و بالعکس، با ترک مباشرت می‌باشد (زنجان، ۱۴۱۹: ۵/۱۴۸۶). از دیگر مصادیق آن، جداکردن بچه از مادر، ندادن اجرت ارضاع و رفتارهای آزاردهنده روحی نسبت به مادر است. همچنان که زن، هم نباید همسرش را به سبب فرزند آزاردهد. این گروه، "لاتضرار" را، فعل مجهول دانسته و "والده" و "مولود له" را، نایب فاعل قرار می‌دهند. در تایید این نظر، به قرائنی استناد شده است:

۱. تعدادی از روایات مفسر این آیه، معنای ضرر زدن زوجین به یکدیگر را، تایید می‌کند.

در بعضی از آن‌ها، به ممانعت از رابطه زناشویی (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۲۶) و در بعضی، به وظیفه شوهر در پرداخت اجرت المثل رضاع، اشاره شده است (همان: ۵۸۵).

۲. در این معنا، حرف "باء"، در "بولده" و "بولدها"، به معنای سببیت است و نیازی به زائده گرفتن آن که لازمه احتمال دوم و خلاف ظاهر می‌باشد، نیست.

۳. با توجه به سیاق آیه، قبل از بیان این فقره، مبنی بر رعایت حقوق زن در تأمین رزق و "کسوة" از سوی مرد، مفاد روابط زوجین تایید می‌شود.

طبق این احتمال، به دلیل تبادر معنای مشارکت طرفینی از باب مفاعله، مفاد ضرر والدین به یکدیگر تقویت می‌شود، چراکه ضرر در مورد آنان، می‌تواند طرفینی باشد؛ ولی معمولاً ضرر زدن والدین به کودک یک طرفه می‌باشد؛ این احتمال، مردود است؛ زیرا همان‌طور که بعضی از فقیهان بیان داشته‌اند، در باب مفاعله، معنای مشارکت با ویژگی کثرت صدور مبدا و تکرار آن ملحوظ است، خواه فاعل یک نفر باشد یا بیشتر. از این روست که ساخت جمله، به شکل فاعلیت یک طرف و مفعولیت طرف دیگر است. با توجه به غلبه دونفر بودن فاعل، ممکن است مشارکت طرفینی به ذهن تبادر نماید، درحالی‌که می‌تواند فاعل یک نفر باشد. البته در تفاعل، معنای مشارکت با ویژگی فاعلیت دوطرف، ملحوظ است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۲۱۴). بعضی دیگر از فقیهان معاصر نیز، این کاربرد را که مفاعله صرفاً برای ایجاد ماده است؛ نه الزاماً انجام طرفینی کار، تایید می‌کنند (عراقی، ۱۳۷۱: ۱۲۳؛ غروی، ۱۴۱۸: ۲/۳۱۷؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۲/۵۷۸). چنین استعمالی در آیات قرآن، به تکرار دیده می‌شود. بنابراین، کاربرد صیغه "لا تضار"، تاییدی بر دیدگاه اول محسوب نمی‌شود.

سرّ استفاده از تعبیر فوق را می‌توان، یک طرفه نبودن ضرر والدین به فرزند و بازگشت نتیجه به خود آنان دانست (طوسی، بی‌تا: ۲/۲۵۸) به نحوی که گرچه از یک نفر صادر می‌شود، ولی از باب مبالغه در عمل، گویی از طرفین سر زده و آنان را متضرر می‌کند (کاظمی، بی‌تا: ۳/۳۱۰). سنت تکوینی حاکم بر رفتارها، حاکی از کنش و واکنش در اعمال انسان‌هاست. درحقیقت هرکسی که ضرری بزند، خودش هم به نوعی متضرر می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۹۴) دریافت عکس‌العمل رفتار، در مورد اعضای خانواده و تاثیر و تاثر اعمال آنان بر یکدیگر، بروز و ظهور قوی‌تری دارد.

دیدگاه دوم: حرمت ضرر رساندن والدین به فرزند

والدین از ضرر زدن به فرزند خویش نهی شده‌اند؛ یعنی «لا تضارَّ» با ساختار معلوم شناسایی شده و در نتیجه «والده» و «مولود له» فاعل و «بولدها» مفعول محسوب می‌گردد. «باء» زایده است؛ زیرا «لا تضار» متعدی بنفسه است. همین معنا مدنظر بعضی از فقیهان قرار گرفته (طوسی، ۱۳۸۷: ۶/ ۳۰؛ حائری، بی‌تا: ۳۲۳ و ۵۷۴؛ عراقی، ۱۴۱۸: ۳۳؛ قمی، بی‌تا: ۷۶؛ مکارم، ۱۴۱۱: ۳۰/ ۱) و برای اثبات آن، به ادله‌ای استناد نموده‌اند:

۱. امام صادق (ع)، در تفسیر آیه، اضرار به کودکان را ممنوع شمرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/ ۴۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۲۱).

۲. این معنا، نسبت به معنای اول، اظهر است (مکارم، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۹)، زیرا در دوران بین معلوم و مجهول، معلوم بودن فعل ترجیح دارد (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۵/ ۱۲۲).

۳. سیاق آیه در این نظریه هم، مورد استناد است. صدر آیه بر حکم دو سال شیردادن مادر و انفاق پدر بر مادر در مدت رضاع، مشتمل است. سپس در تتمیم این دو حکم می‌فرماید اگر یکی از والدین، در انجام وظیفه خویش کوتاهی نماید، طرف دیگر، نباید همین کوتاهی را مرتکب شود که در این صورت فرزند متضرر می‌شود (مکارم، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۹). محور معنا در آیه، حتی در مراعات حق زن، کودک و اهتمام به مصالح اوست و احکام بیان شده، حول این محور قرار دارد.

۴. فقره «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» موید این معناست (همان). از این تعبیر که به معنای پرهیز وارث از ضرر زدن به کودک است و در بعضی از روایات، صریحاً به همین معنا تفسیر شده، می‌توان نتیجه گرفت که در فقره قبل هم، کودک مدنظر است، درغیراین صورت، «مِثْلُ ذَلِكَ» نمی‌تواند ضرر به کودک تفسیر گردد. نمی‌توان گفت در این عبارت، وارث از ضرر زدن به کودک نهی شده، ولی پدر و مادر نهی نشده باشند.

حتی بعضی از فقیهانی که مصرّ به معنای اول هستند، در نهایت همین برداشت عدم ضرر به کودک را از آیه استفاده می‌کنند.^۳ گویی نمی‌توان این تفاوت و مرزبندی را قائل شد.

دیدگاه سوم: نهی از ضرر رساندن به هریک از زوجین و یا کودک

آیه دارای مفهوم عامی است که هردو دیدگاه فوق را شامل می‌شود و از مطلق ضرر، خواه متوجه والدین باشد و خواه متوجه کودک، پرهیز می‌دهد.

این نظر در کلمات بعضی از فقیهان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم یافت می‌شود. محقق عراقی پس از بیان معانی محتمل، با تأکید بر عدم تنافی بین این معانی، می‌فرماید: «فالأولی حمل الآیة علی جمیعها» (۱۴۱۸: ۳۹). برخی دیگر گرچه در مسأله سرپرستی فرزند در صورت فوت پدر، معنای دوم را برای آیه بیان نموده و با اولی دانستن سرپرستی مادر تا زمان بلوغ کودک، به اطلاق آیه در نهی از ضرر زدن به کودک استناد می‌کند، لیکن در بحث نفقه همسر و اولاد، از تفسیر امام صادق علیه السلام ذیل آیه مضاره، هردو معنا را استنباط نموده و می‌نویسد: همان‌طورکه جایز نیست پدر به فرزند و به مادر ضرر برساند، وارث هم از این عمل نهی گردیده است (قمی، ۱۴۲۶: ۱۰/۳۰۹؛ یزدی، ۱۴۰۶: ۳/۵۵-۵۴). خداوند متعال از مطلق ضرر زدن نهی کرده است، حال این ضرر به کودک باشد یا به والدین کودک (ر.ک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۴/۳۳۰). بعضی دیگر معتقدند، روح هردو معنا این است؛ اگر به فرزند ضرر بزنند، در حقیقت به خود ضرر زده‌اند و از سوی دیگر اضرار به هریک از پدر و مادر، اضرار به فرزند است (راوندی، ۱۴۰۵: ۲/۱۲۲ و ۱۲۱).^۴ باید توجه داشت آیه، در رابطه با فرزند است و درباره روابط زن و شوهری که فرزندی ندارند، سخن نمی‌گوید.

اشکال و پاسخ

در مقابل، بعضی از صاحب‌نظران به استناد اینکه این برداشت خلاف متعارف است و نیز مستلزم استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد است، این دیدگاه را رد نموده‌اند (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۰۱/۱۷).

در پاسخ به اشکال اول و غیرمتعارف بودن این معنی، می‌توان به آیه ۲۸۲ بقره و آیات دیگر از این قبیل اشاره نمود که در تفسیر و فقه، دو معنی برای آن‌ها منظور شده و در سطور آینده بیان خواهد شد.

پاسخ به اشکال دوم: درباره استعمال لفظ در بیش از یک معنا نظرات گوناگونی بالغ بر ده نظریه یافت می‌شود (طیب حسینی، ۱۳۹۰). فقهای همچون محقق قمی (قمی، ۱۳۷۸: ۶۸-۷۰) و محقق خراسانی (محقق خراسانی، ۱۴۲۸: ۱/ ۷۵) قائل به عدم امکان هستند^۵ و فقیهانی همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۷: ۱/ ۵۸) و صاحب معالم الاصول (حسن بن زین الدین، ۱۳۷۶: ۵۹) معتقد به جواز این امر هستند.

در مکتب اصولی نجف، نظریه عدم امکان کاربرد لفظ در اکثر از معنای واحد، رواج داشته که می‌توان آن را متأثر از نظرات اصولی محقق خراسانی و شاگردانش دانست. گرچه به تدریج عالمانی از این مکتب، به امکان و جواز این کار بست رأی داده‌اند. مکتب قم، متأثر از دیدگاه شیخ عبدالکریم حائری، بر امکان و جواز این نوع استعمال معتقدند (طیب حسینی، ۱۳۹۰). مهم‌ترین استدلال بر امتناع عقلی چنین استعمالی، توسط محقق خراسانی با ارائه تحلیلی از رابطه لفظ و معنا، عنوان گردیده است. ایشان ماهیت استعمال لفظ را، فانی کردن لفظ در معنا و ایجاد این همانی اعتباری، بین لفظ و معنا معرفی می‌کند. بنابراین، هرگاه لفظ در معنایی به کار می‌رود، با از دست دادن وجود خود، در آن فانی می‌شود و دیگر لفظی نیست تا در معنای دوم فانی شود. این استعمال، مستلزم تعلق دو لحاظ تبعی به لفظ واحد و موجب امتناع عقلی است (خراسانی، ۱۴۲۸: ۱/ ۷۶-۷۸). ایشان، سایر استدلال‌هایی را که در رد امکان این کاربرد ارائه شده، ناکافی دانسته و امتناع چنین استعمالی را فقط از طریق استدلال فوق الذکر، قابل اثبات می‌داند.

محقق نائینی، با پذیرش این نظر، محال بودن چنین استعمالی را به ویژگی معنا و رابطه آن با نفس انسانی مرتبط می‌داند. وی معتقد است از آنجا که بین دومعنای موردنظر تقدم و تاخر رتبی و زمانی وجود ندارد، لحاظ دومعنا توسط نفس انسان، مستلزم آن است که نفس در آن واحد دو لحاظ، یعنی دو عمل احضار معنا انجام دهد و این امر محال است (نائینی، ۱۳۵۲: ۱/ ۵۱).

در پاسخ، بعضی از فقیهان با رد از بین رفتن فعلیت لفظ بوسیله استعمال، افناء حقیقی لفظ را بین البطلان دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱/ ۲۱۳). بعضی با توجه به نقش لفظ در زیبایی و نازیبایی کلام، معتقدند دومعنا بدون تقدم و تاخر، در عرض یکدیگر قرار دارند و افنایی

اتفاق نمی‌افتد (فاضل، ۱۳۸۱: ۲/۲۹۵) و بعضی دیگر با تعریف ماهیت استعمال، به علامت قرارداد لفظ، قائلند حتی معنای افناء لفظ، دلیلی بر لزوم وحدت لحاظ نیست و می‌توان قبل از وقوع استعمال، دو لحاظ مستقل در دو آن متفاوت داشت (مکارم، ۱۴۲۸: ۱/۱۵۰).

مرحوم خویی در پاسخ به محقق نائینی، شواهد عینی‌ای را بر انجام دو عمل اختیاری در آن واحد، توسط انسان ارائه می‌کند. از آن‌جا که افعال اختیاری انسان، مسبوق به تصور، لحاظ و اراده است، پس انسان قابلیت اجتماع دولحاظ در آن واحد را دارد، همچنان‌که در قضایای حملیه برای ثبوت محمول بر موضوع، لحاظ موضوع و محمول در یک آن واقع می‌شود. بنابراین وقوع دولحاظ، کاملاً وجدانی و مسلم است (خویی، ۱۴۲۲: ۱/۱۷۹ و ۱۸۰). نفس مجرد انسان، به تضییقات عالم ماده محدود نیست، لذا می‌تواند در آن واحد به دو شیء توجه کند و دو عمل را انجام دهد (فاضل، ۱۳۸۱: ۲/۳۰۴-۳۰۹).

در این میان، بعضی با پذیرش امکان عقلی این استعمال، کاربرد آن را در آیات قرآن بعید دانسته، معتقدند این امر، موجب اجمال در معنای آیات می‌شود، درحالی که آیات منبع وضع قانون جهت ارشاد بشر هستند و باید از کلمات مشترک و چنین استعملاتی خالی باشند تا باعث اغراء به جهل نگردند (خمینی، ۱۴۱۸: ۱/۲۹۳ و ۳۰۱).

پاسخ اینکه، در بسیاری از آیات قرآن، فقدان قرینه بر اراده یک معنای خاص از واژه، قرینه‌ای محکم برجواز حمل آن کلمه بر دو معنایش است. بر خداوند حکیمی که با گنجاندن قرینه‌ای، می‌توانست مراد خویش را بدون ابهام و اجمال بیان نماید، قبیح است که مخاطب را سردرگم نموده و آیه را مبهم باقی‌گذارد و بدین واسطه آیات متعددی از قابلیت استنباط، ساقط شود. مولای حکیم در مواردی که همه معانی لفظ مشترک را اراده نفرموده با نصب قرینه و یا تفاسیر معصومین علیهم‌السلام، منظورنبودن همه معانی را بر مخاطب روشن می‌گرداند. علاوه براینکه، در متون دربردارنده قوانین اساسی، استفاده از کلمات و عبارات کلی دارای حالات چند معنایی و خصوصیات ادبی، امری شایسته، معمول و دال بر پیشرفته‌بودن قانون است. این درحالی است که متون قوانین اجرایی باید واضح، شفاف و بدون هرگونه ابهام و اجمال باشد. به‌یقین قرآن مجید از نوع دسته اول از قوانین

به‌شمار می‌آید (طیب‌حسینی، ۱۳۹۰). البته توجه به محدودسازی چنین استعمالی با مبحث «تشابه»، بحث مهمی است که این مجال را جای پرداختن به آن نیست.

بنابراین وقوع استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد در آیات قرآن، با رد کردن ادله مانعین، دارای استدلال محکمی است و طرفداران قابل توجهی هم دارد. در آیه ۲۸۲ بقره،^۶ تعبیر «لَا يَضَارُّ» به کار رفته که در آن دو احتمال معلوم بودن فعل «يَضَارُّ» به معنای ضرر نرساندن کاتب و شاهد به متعاملین و مجهول بودن آن به معنای متضرر نشدن کاتب و شاهد، بیان شده است. در عین حال بسیاری از مفسرین هردو معنا را برای آن ذکر کرده‌اند (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۴۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۸۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۵۹). صاحب البرهان یکی از امثله حمل لفظ مشترک بر هردو معنا را، همین آیه ذکر کرده و می‌نویسد جایز است لفظ «لَا يَضَارُّ» را، بر جمیع محمولاتش حمل نماییم و این از نظر عقلی منعی ندارد (زرکشی، ۱۴۰۸: ۲/ ۲۰۷).

به نظر می‌رسد در آیه ۲۳۳ بقره هم که محور بحث در این مقال است و دقیقاً دوم معنای معلوم و مجهول در آن محتمل است و کلمات مفسران و فقیهان درباره آن بیان شد، منعی از حمل آیه بر هردو معنا وجود ندارد و هردو معنا از آن، اراده شده است. در حقیقت شارع مقدس، ایراد ضرر در فضای خانواده و در روابط زوجین و فرزندان را، ممنوع شمرده است.

می‌توان گفت وجود شواهد متعدد بر هریک از دو دیدگاه اول و دوم در معنای آیه، فقدان دلیل محکم برای ترجیح یک احتمال بر دیگری و منزه بودن پروردگار حکیم از اغراء به جهل و ابهام‌گویی، به عنوان مؤیدی برای دیدگاه سوم، محسوب می‌گردد. از سوی دیگر تعبیر «وَعَلَى الْوَارِثِ...» که در تمام روایات مفسره، ضرر نرزدن وارث به کودک تفسیر شده، در صورتی معنا پیدا می‌کند که تکلیف محوّل به وارث، در فقره قبل مدنظر بوده باشد؛ در غیر این صورت، عبارت «مِثْلُ ذَلِكَ»، بی معنا خواهد بود. از جانب سوم، حقیقت این است که ضرر کودک، مادر و پدر ملازم با یکدیگر است و در واقع نمی‌توان آن‌ها را، از یکدیگر منفک نمود. استدلال‌های اصولی در مسأله استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد نیز، به کمک این

بحث آمد و راه را برای تقویت دیدگاه سوم هموار نمود و این آیه به عنوان دلیل قرآنی در مبحث فقه تربیتی قابل توجه است. به هر جهت، این آیه بر اساس دیدگاه دوم و سوم در معنای آن، از ادله مهم مباحث فقه تربیتی به‌شمار می‌آید.

بررسی روایات ذیل آیه مضاره

اکنون برای فهم بهتر معنای آیه، روایاتی که ذیل این آیه وارد شده و یا به‌نوعی با آن ارتباط دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۷ روایات وارده ذیل آیه مضاره، دو دسته هستند:

دسته اول: روایات ناهیه اضرار زوجین به همدیگر

روایاتی که در تفسیر آیه، ضرر زدن هریک از زوجین به دیگری را، نهی کرده‌اند. در این روایات، روابط زناشویی زوجین و ترک انفاق به مادر، به‌عنوان مصادیق ضرر، مطرح گردیده است.

۱-۱. روایت ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع):

قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا تَضَارَّ وَالِدَةً بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بِوَلَدِهِ»؟ فَقَالَ (ع): «كَانَتْ الْمَرَأَةُ إِذَا أَرَادَ الْجَمَاعُ تَقُولُ: لَا أَدْعُكَ؛ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أُحْبَلَ، فَأَقْتُلَ وَلَدِي هَذَا الَّذِي أُزْضِعُهُ، وَكَانَ الرَّجُلُ تَدْعُوهُ الْمَرْأَةُ، فَيَقُولُ: أَخَافُ أَنْ أُجَامِعَكَ، فَأَقْتُلَ وَلَدِي، فَيَدْعُهَا وَلَا يَجَامِعُهَا، فَتَنْهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - عَنْ ذَلِكَ أَنْ يَضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ، وَالْمَرْأَةُ الرَّجُلَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۲۶؛ حدیث با تفاوت مختصری در: وسایل، ۱۴۰۹: ۲۰: ۱۸۹ آمده است)؛ أبوالصباح کنانی می‌گوید: تفسیر آیه «لَا تَضَارَّ..» را از امام صادق (ع) پرسیدم، حضرت پاسخ دادند: یکی از زنان شیرده، شوهر خود را از جماع منع می‌کرد و می‌گفت: «به تو اجازه‌ی آمیزش نمی‌دهم؛ زیرا می‌ترسم از اینکه حامله شوم و [به‌خاطر بارداری] این فرزندم که به او شیر می‌دهم را بکشم» و مرد، زن خود را از جماع منع می‌کرد و می‌گفت: «می‌ترسم از اینکه با تو آمیزش

کنم و [با کم توجهی تو به شیرخوار گویا] خودم، فرزندم را بکشم». لذا از زن خود دوری و با او آمیزش نمی کرد. پس خداوند نهی فرمود از اینکه زن و مرد به یکدیگر ضرر برسانند.

در این روایت، با وجود جهتی مثل مراعات فرزند شیرخوار، که ممکن است عذر تلقی گردد، از ضرر زدن متقابل مرد نسبت به زن و بالعکس نهی شده است.

۱-۲. روایت دوم ابی الصباح کنانی از امام صادق علیه السلام

قَالَ عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَمْتَنِعَ مِنْ جِمَاعِ الْمَرْأَةِ فَيَصَارَ بِهَا... وَ لَا يَحِلُّ لِلْوَارِثِ أَنْ يَصَارَ أُمُّ الْوَلَدِ فِي النَّفَقَةِ فَيَضِيقَ عَلَيْهَا (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱: ۴۵۸).

۱-۳. روایت جمیل ابن دراج از امام صادق علیه السلام

قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُنْصَارَ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودُهَا بِوَلَدِهَا، قَالَ الْجِمَاعُ (همان).

براساس این طایفه از روایات؛ «لاتنصار»، به ضرر رساندن مرد و زن به یکدیگر و مصداق آن در آمیزش و نفقه تفسیر شده است.

دسته دوم: درباره ضرر به مادر، پدر و فرزند

روایاتی که در تفسیر آیه، ضرر به مادر، پدر و فرزند را بیان می کنند. این دسته از روایات، گاه تفسیر فقره اول «لاتنصار والده..» و فقره دوم «وعلى الوارث..» را جداگانه مطرح می نمایند و گاه به طور کلی ذکر می کنند. البته تفسیر ضرر به کودک، معمولاً ذیل فقره دوم آیه ذکر شده است.

۲-۱. روایت حلبی از امام صادق علیه السلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: الْحُبْلَى الْمُطَلَّقةُ يَنْفِقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا إِنْ تُرْضِعُهُ بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى، إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- يَقُولُ: «لَا تُنْصَارَ

وَالِدَةٌ يُولَدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُهَا وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ قَالَ: «كَانَتِ الْمَرْأَةُ مِمَّا تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى زَوْجِهَا إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا، فَتَقُولُ: لَا أَدْعُكَ؛ لِأَنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْمِلَ عَلَى وَلَدِي، وَيَقُولُ الرَّجُلُ: لَا أَجَامِعُكَ؛ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَغْلِقِي، فَأَقْتُلَ وَلَدِي، فَنَهَى اللَّهُ -عَزَّ وَجَلَّ- أَنْ تَضَارَّ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ، وَأَنْ يَضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ. وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يَضَارَّ بِالصَّبِيِّ، أَوْ يَضَارَّ أُمُّهُ فِي رَضَاعِهِ، وَلَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رَضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ، وَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا، وَالْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ (همان: ۵۸۵).

سند این روایت تام است و معنایش اینست: همان طور که ضرر رساندن پدر به کودک و به مادر جایز نیست، این امر بر وارث هم مجاز نیست (قمی، ۱۴۲۶: ۱۰/۳۰۹).

۲-۲. روایت دیگر حلبی از امام صادق (ع)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) نَحْوَهُ، وَزَادَ: «وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يَضَارَّ بِالصَّبِيِّ، أَوْ يَضَارَّ أُمُّهُ فِي رَضَاعِهِ، وَلَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رَضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ» قَبْلَ ذَلِكَ، كَانَ حَسَنًا، وَالْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۲۷).

خداوند نهی فرمود از اینکه وارث، به کودک ضرر برساند یا مادر فرزند در شیردادن، متضرر گردد^{۱۱} و زن نیز، نباید بیش از دو سال به فرزندش شیردهد.^{۱۲}

۲-۳. روایت ابی الصباح از امام صادق (ع)

قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ -قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْوَارِثِ أَنْ يَضَارَّ الْمَرْأَةُ- فَيَقُولَ لَا أَدْعُ وَلَدَهَا بِأُتَيْهَا وَ يَضَارَّ وَلَدَهَا- إِنْ كَانَ لَهُمْ عِنْدَهُ شَيْءٌ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَقْتَرَّ عَلَيْهِ (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۵۲۸).

امام صادق (ع) فرمودند: وارث نباید به زن ضرر وارد کند و بگوید کودک را از ملاقات با مادرش منع می‌کنم و اگر به نفع آنان، چیزی نزد وارث است، وارث نباید به کودک آن زن، ضرری برساند و معیشت را بر او سخت نماید.

۴-۲. روایت دعائم الاسلام^{۱۲}

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودُهَا بِوَلَدِهِمْ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الصَّبِيِّ الَّذِي يَرُثُهُ إِذَا مَاتَ أَبُوهُ مَا عَلَى أَبِيهِ مِنْ نَفَقَتِهِ وَرَضَاعِهِ وَ الْمُضَارَّةِ فِي الْوَلَدِ مِنَ الْوَالِدَةِ أَنْ لَا تُرَضِعَهُ وَ هِيَ قَوِيَّةٌ عَلَى رِضَاعِهِ مُضَارَّةٌ لِأَبِيهِ فِي ذَلِكَ وَعَلَى الْأَبِ أَيْضًا أَنْ لَا يَضَارَّ الْوَالِدَةُ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تُرَضِعَ وَلَدَهَا فَيَسْتَرْضِعُهُ مِنْ غَيْرِهَا وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ مِنْ تَرْكِ الْمُضَارَّةِ فِي الْوَلَدِ مِثْلُ الَّذِي عَلَى الْوَالِدَيْنِ فِي ذَلِكَ وَ غَيْرِهِ مِنَ النِّفَقَةِ (مغربی، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۵۶).

طبق این روایات امام علی (علیه السلام)، درباره فقره «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودُهَا بِوَلَدِهِمْ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» چنین می فرماید که پرداخت نفقه و مزد شیردهی که برعهدهی پدر بود، در صورت فوت پدر، بر وارث او واجب می شود و ضرر رساندن مادر به طفل، به این صورت است که با وجود توانایی بر رضاع، به خاطر ضرر زدن به پدر، از شیردهی به کودک امتناع ورزد. همچنین پدر موظف است در صورتی که مادر طفل می خواهد به فرزندش شیردهد، با سپردن شیردهی به زنی دیگر به او ضرر وارد نماید. وارث هم در ترک اضرار به طفل، همین وظایفی را که برعهدهی والدین است و وظایف دیگر از جمله نفقه را برعهده دارد.

۴-۵. روایت ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام)

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) طبق این روایت، چنین نقل می کند:

رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْحَبْلَى الْمُطَلَّقةُ يَنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا أَنْ تُرَضِعَهُ بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ...» وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ «لَا يَضَارُّ بِالصَّبِيِّ وَلَا يَضَارُّ بِأُمِّهِ فِي رَضَاعِهِ»^{۱۳} (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۵۱۰)؛ نفقه زن مطلقه باردار را، تا زمان وضع حمل می دهند و او برای آنکه فرزندش را با همان مبلغی که دیگری برای رضاع می گیرد شیردهد، سزاوارتر است، خداوند

فرموده: «لَا تُضَارَّ... ذَلِكَ». وارث، نباید به فرزند یا به مادر در شیردادن به فرزند، زیان برساند.^{۱۴}

درباره بررسی سندی این روایت، تردیدی نیست که علی بن ابی حمزه بطائنی، از بزرگان واقفیه بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵)، از همین رو، گروهی از علما، روایات او را ضعیف دانسته‌اند (خونی، ۱۴۱۸: ۲۹/۳۲۸) لکن برخی دیگر از صاحب نظران، با این ملاک که زمان اخذ، معیار صحت و ضعف روایت است معتقدند، ثقاتی که از بطائنی، احادیث فراوانی را نقل کرده‌اند، در زمان استقامت او، اخذ و تحمل نموده‌اند (ر.ک: زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۶/۵۱۴۲؛ سبحانی، ۱۴۲۴: ۵/۲۲۶). طبق این مبنا، روایت معتبر است.

در بررسی دلالتی این روایت،^{۱۵} نکاتی وجود دارد که می‌تواند در مورد فهم معنای آیه، مؤیدات روشنگری به حساب آید. در عبارت «لَا يُضَارُّ بِالصَّبِيِّ»، باتوجه به تذکیر فعل، معلوم یا مجهول بودن آن و فاعل یا نایب فاعل‌های محتمل، چهار احتمال مختلف، قابل تصور است. از یک سو نمی‌تواند به معنای ضرر زدن پدر به کودک یا متضرر نشدن پدر به سبب کودک باشد، زیرا مفروض این است که پدر فوت کرده و بحث بر سر تعیین تکلیف وارث است. از سوی دیگر احتمال متضرر نشدن وارث به سبب صبی هم، به همین دلیل منتفی است. پس فعل «لَا يُضَارُّ» در کلام امام، به صیغه معلوم و همراه باء زایده، به معنای ضرر نزدن وارث به صبی آمده، درحالی که قبلاً زایده بودن «باء» به عنوان یکی از وجوه مضعّف قرائت معلوم، مطرح گردیده بود. این معنا، در بخش بعدی عبارت «لَا يُضَارُّ بَأَمِّهِ فِي رِضَاعِهِ» تکرار و تأیید می‌شود. بنابراین ماده «یضار» که با ویژگی تعدیه بنفسه، بدون حرف جر به کار می‌رود، گاه ممکن است در همین کاربرد معلوم با حرف جر استعمال شود و مشکلی ایجاد نکند.

جالب اینکه در این روایت، باتوجه به صدر عبارت و توضیحی که درباره حامله مطلقه داده شده، ساختار «لَا تُضَارُّ» مجهول تفسیر شده، لیکن در ذیل روایت «لَا يُضَارُّ» با ساختار معلوم بیان شده است. به دیگر سخن، هر دو نوع کاربرد (معلوم و مجهول) برای فعل «لَا يُضَارُّ» مشاهده می‌شود و شاید بتوان آن را به عنوان مؤیدی برای تقویت دیدگاه سوم، در معنای آیه محسوب نمود.

جمع‌بندی بررسی روایات

در بررسی روایات صادره از معصومین (علیهم‌السلام)، در تفسیر آیات قرآن، می‌بینیم بسیاری از روایات تفسیری، در مقام بیان مفهوم نیستند، بلکه بدون اینکه مفهوم آیه را، به موردی خاص منحصرکنند، نمونه‌های پنهان و آشکار یا مورد اختلاف را ذکر کرده‌اند. این‌گونه از بیان را، بیان مصداقی گویند (ترابی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۶۲). به نظر می‌رسد اینکه در بعضی روایات، «لاتضار» به ارتباط زناشویی و در بعضی دیگر به جداکردن فرزند از مادر تفسیر شده، از باب بیان مصداق است، نه تمام معنای آیه. یعنی «لاتضار» در آیه، می‌تواند مصادیق دیگری هم داشته باشد. همچنان‌که در کلمات مفسران و فقیهان، مصادیق دیگری بیان شده و از بعضی روایات هم قابل برداشت است.

بیان مفهوم «لاتضار»

پس از اثبات جایگاه آیه در مباحث فقه تربیتی، نوبت بدان می‌رسد که جهت پاسخگویی به سوالات مفهومی تحقیق، در بیان مفهوم لاتضار، به چند نکته توجه شود.

۴-۱. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی "ضرر":

به منظور درک مفهوم «لاتضار» و بررسی سعه و ضیق آن، لازم است معنای ماده آن، یعنی "ضرر"، به اختصار مورد مطالعه قرارگیرد.^{۱۶}

در کتب اهل لغت، برای ماده "ضرر" معانی متعددی ذکر شده است. معنایی که در بیشتر کتب لغت آمده، خلاف نفع (طریحی، ۱۴۱۶: ۳/ ۳۷۳؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۲/ ۷۱۹؛ فیومی، بی‌تا: ۲/ ۳۶۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/ ۴۸۲) است. یکی از اصول معنایی که در مقائیس اللغه، در کنار معنای «اجتماع الشیء» و «قوت»، برای این واژه بیان شده، همین مفهوم است (ابوالحسن، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۶۰). البته در بعضی منابع، معانی دیگری از قبیل نقص، ضیق، تنگی، سوء حال و انجام کاری که مکروه است و... بیان شده (همان؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۲۲۳). در بعضی از مقالات

نیز، تلاش‌های شایسته‌ای در جهت برگرداندن معانی متعدد این واژه به یک اصل صورت گرفته است (ر.ک: غفوری، ۱۳۹۳).

تتبع اجمالی در کلمات فقیهان، نشان‌دهنده آن است که "ضرر" همان‌طور که در کلام لغت‌شناسان آمده، بیشتر به معنای نقص و خلاف نفع به‌کاررفته، با این توضیح که "ضرر" عنوان منتزع از نقص در یکی از اموری که به آن تعلق یافته، می‌باشد. یعنی "ضرر"، هیأتی است که از نقص به وجود می‌آید، نه اینکه خود نقص باشد. شهید صدر در انتزاع عنوان ضرر، قید "قابل اعتنا بودن" به‌گونه‌ای که به‌حسب طبع موجب شدت و ضیق شود را، بیان می‌کند؛ و لذا، اگر تاجری یک دینار از دست دهد، صدق ضرر نمی‌کند. همچنان‌که از طرف دیگر، صدق مجرد شدت و ضیق نفسی بدون ورود نقص، ضرر محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، در حصول ضیق، همین که به‌حسب طبع مقتضی ضیق باشد، کافی است؛ ولو اینکه به‌دلیل عدم آگاهی یا به‌دلیل صغر سن و عدم توجه، ضیق بالفعل حاصل نشده باشد. همچنان‌که در صدق نفع هم مجرد زیاده، کفایت نمی‌کند؛ بلکه زیادتی که به‌حسب طبع، موجب انبساط نفس شود، نفع محسوب می‌گردد (صدر، ۱۴۱۷: ۵/ ۴۵۰). تتبع در استعمالات قرآنی این واژه هم، همین معنای خلاف نفع را برای کلمه ضرر نشان می‌دهد (سبحانی، خارج قواعد فقهیه، ۹۴/۲/۸ و ۹۴/۲/۹)

فقیهان درباره نحوه مخالفت و تقابل نفع و ضرر نیز بحث کرده‌اند. بعضی قائل به رابطه ملکه و عدم شده‌اند و معتقدند ضرر در موردی که قابلیت اطلاق نفع در مقابل آن وجود داشته باشد، استعمال می‌شود (خراسانی، ۱۴۲۸: ص ۳۸۱؛ عراقی، ۱۴۲۰: ۳۰۱؛ مشکینی، ۱۴۱۳: ۳۵۳/۴). بعضی دیگر، با خلاف متفاهم عرفی خواندن این رابطه و واکاوی سه مرتبه نقص، تمام و نفع چنین بیان کرده‌اند که تمام، مرتبه‌ای است که در آن نقص و زیادتی وجود ندارد. نقص ذیل مرتبه‌ای که سزاوار است، موضوع در آن رتبه قرار داشته باشد و نفع رتبه بالاتر و زیاده بر تمام است. بنابراین تقابل ملکه و عدم، میان دو حالت ضرر و تمام است نه ضرر و نفع (حکیم، ۱۴۰۸: ۲/ ۳۷۶). از همین رو، گروهی بر تقابل تضاد، میان ضرر و نفع نظر داده‌اند (مراغی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۱۰؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۱۴) و از آنجاکه هیات حاصل از

نقص، ضرر است، بنابراین ضرر، یک امر وجودی است و با ماهیت تضاد سازگار است. مطلب دیگر در مورد شناخت معنای ضرر، متعلق آن است. نفس و جان انسان، مال اعم از عین و منفعت، حقوق شرعی و عرفی و عرض و آبروی انسان، همگی متعلقات ضرر محسوب می‌شوند. آنچه که موجب نقص در عین، منفعت یا هیأت متعارف بدن می‌شود، ضرر است از قبیل جراحت، قطع عضو، بیماری، افزایش آن یا کندی در حصول سلامت و یا حدوث دردی که باطبیعت انسان سازگار نیست. نقص در اموال بالفعل و بالقوه انسان، همچنین منع از حقوقی که بالفعل محققند، عرفاً ضرر محسوب می‌شود. در مورد آبرو هم هر چیزی که احترام فرد است و هتک آن موجب ذلت و انکسار در بین مردم می‌شود، ضرر به حساب می‌آید (مراغی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۰۸ و ۳۰۹؛ صدر، ۱۴۲۰).

۲-۴. تعمیم ضرر منهی‌عنه در آیه به ضررمادی و معنوی

باتوجه به مفهوم ضرر، سؤال این است که آیا گستره ضرر منهی‌عنه در آیه، فقط شامل ترک ارضاع کودک می‌شود یا ضررهای مادی و جسمی دیگر، همچنین ضررهای روحی، عاطفی، اخلاقی، اعتقادی و نیز، ضررهای معنوی و اخروی را هم دربرمی‌گیرد؟

در پاسخ باید چنین گفت که منظور از «تضار»، ایجاد نقص و خلل رساندن به دیگری است. بالحاظ آنچه درباره معنا و متعلق ضرر بیان شد، رضاع طفل به عنوان مصداق بارز، اظهر و اولین نیاز جسمانی کودک در آیه ذکر گردیده است. این احتمال که مقصود آیه فقط ترک ارضاع باشد و سایر ضررهای جسمانی منظور نباشد، احتمال ضعیفی است؛ حتی نیاز جسمانی کودک نیز، در رضاع خلاصه نمی‌شود. با الغاء خصوصیت از رضاع و فقدان قرینه بر اراده خصوص رضاع و مخصص نبودن مصداق مذکور در آیه، مفهوم گسترده ضرر، شامل همه کاستی‌ها و خلل‌های وارد بر کودک می‌شود. بنابراین، هرآنچه که ممکن است به لحاظ جسمانی ضرری بر کودک وارد نماید، مورد نهی قرار گرفته است. تغذیه کودک، تزریق واکسن، دادن دارو در هنگام بیماری، تهیه پوشاک و... از دیگر مصادیق نیازهای جسمانی کودکانند که اگر عدم اعتناء والدین به این نیازها، موجب ضرر بر کودک

می‌شود، به مقتضای آیه مزبور، حکم الزامی وجوب، متوجه آنان می‌گردد (اعرافی، خارج فقه تربیت، ۲۰/۱۲/۸۷).

درمورد سایر ضررها نیز، توجه به این نکته لازم است که ارضاع فرزند علاوه بر تاثیرات جسمانی، دارای آثار روحی-عاطفی در کودک است که نهی از ترک ارضاع، به نوعی نهی از واردکردن ضرر روحی-عاطفی به کودک محسوب می‌گردد. علاوه براینکه فقیهان، صیانت فرزند از متضررشدن در باب اخلاق و عقاید را اهم از صیانت نسبت به مخاطرات جسمی می‌دانند و یکی از مهم‌ترین ادله ولایت ولی بر فرزند را، صیانت او در باب اعتقادات دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱/۱۳۰).^{۱۷} بنابراین نهی از ضررزدن به فرزند از حیث اخلاقی، روحی و اعتقادی به طریق اولویت اثبات می‌شود. همین اولویت درمورد مخاطرات معنوی و خطرهای مربوط به زندگی اخروی فرزندان که سرای ابدی و باقی است، وجود دارد. تأخیر یا عدم اقدام تربیتی به‌هنگام، موجب ضررهای گاه جبران‌ناپذیری برای آنان می‌گردد (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۵/۲۵۸).

فحوای کلام بسیاری از فقیهان، شمول آیه نسبت به ضررهای مادی و معنوی است. در ادامه، به بعضی از این عبارات اشاره می‌شود:

۱. یکی از ادله مورد استناد در بحث وجوب حضانت و احقیقیت مادر نسبت به حضانت فرزند، آیه مضاره است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۲۷۶)، درحالی که فقها حضانت را منحصر به رضاع نمی‌دانند، بلکه آن را نگه‌داری، تربیت و اهتمام به تمام شئون زندگی و مصالح کودک معرفی می‌کنند (ر.ک: نجفی، بی‌تا: ۳۱/۲۸۳). مرحوم سبزواری می‌فرماید، همان‌طور که طفل احتیاج به تغذیه دارد، به حفظ و صیانت هم نیاز دارد (همان: ۲۷۷). این کلمات نشان‌دهنده آن است که متفاهم از معنای آیه، در نزد فقیهان، اعم از مصالح مادی و معنوی فرزند است.

۲. در مبحث اکل نجس و متنجس توسط کودک و تسیب والدین نسبت به آن، مرحوم تبریزی پس از بیان دیدگاه خویش، منع اطفال از آنچه که موجب ضرر جسمی و اخلاقی به آنان است را، برعهده والدین واجب می‌داند و این امر را، از ادله حضانت و آیه مضاره استفاده

می‌نماید (تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۹۰/۲). این مطلب، حاکی از شمول آیه مضاره، نسبت به ضررهای مادی و معنوی است.

۳. مرحوم امام خمینی در بیان قلمرو حضانت و اینکه حضانت منحصر در رضاع نیست، می‌فرماید مادر احق به حضانت است؛ چه خودش فرزند را شیر دهد و چه دیگری به فرزند شیر دهد (تحریر، م ۱۶) شارحین، درخواستی استدلالی تحریر، این مطلب را به آیه «لاتضرار» مستند کرده‌اند. یعنی نمی‌توان مفاد آیه را، در ضرر ترک ارضاع محصور نمود (تجلیل، بی تا: ۶۵۴).

۳-۴. رابطه ضرر و نفع

ضرر مفهومی عرفی است، از همین‌رو، گرچه با فهم دقیق عقلی، عدم نفع، خود نوعی نقص به‌شمار می‌آید، لیکن معیار، ضرر متعارف و فهم عرف می‌باشد (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۹۶ و ۹۷). با توجه به وجود واسطه بین ضرر و نفع، ضرر به معنای عدم النفع نیست. بنابراین نمی‌توان نهی از ضرر را، به معنای الزام بر تحصیل نفع دانست. لذا وجوب انجام هرکار نیک برای فرزند و نفع رساندن به او، از آیه مستفاد نیست. منفعتی که بی‌توجهی به آن، موجب وارد آمدن نقص بر کودک می‌شود، باید تحصیل گردد. به‌دیگر سخن، در صورتی که افاده نفع مقدمه جلوگیری از ورود ضرر در آینده باشد، اقدام بر آن لازم می‌گردد؛ مثل تزریق واکسن در دوره‌های زمانی تعیین شده، که بی‌توجهی به آن منجر به فلج شدن کودک می‌گردد. اما استفاده از داروهایی که موجب رشد و نشاط بیشتر می‌شود و عدم استفاده از آن‌ها نقصی بر کودک وارد نکرده و رشد او متعارف خواهد بود، براساس این آیه واجب نمی‌گردد (همان: ۹۵).

۴-۴. شمول ضرر در آیه بر ترک فعل‌های ضرری

یکی از عناوین مطرح ذیل مبحث قلمرو مفهوم ضرر در آیه مضاره، شمول آن نسبت به ترک فعل‌های ضرری است. گروهی از فقیهان در قاعده لاضرر، قائل به عدم شمول شده‌اند،

لیکن این آیه به قرینه مصداق مذکور در آن، نسبت به فعل و ترک ضرری، عمومیت دارد. بنابراین، پدر و مادر از ضرر رساندن به فرزند نهی شده‌اند؛ چه با تنبیه کودک موجب نقص عضو یا ضرر روحی به فرزند شوند و چه با ترک شیردهی و عدم پرداخت اجرت آن، بر او ضرر وارد نمایند (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۱۰۱). از دیگر مصادیق ترک ضرری، می‌توان به ترک واکسیناسیون که منجر به بیماری کودک شود و نیز ترک ممانعت از ورود بی‌حد و مرز به فضای مجازی که منجر به انحراف فکری و روحی فرزند شود، اشاره نمود.

نتیجه

آیه "مضاره" یکی از ادله مورد استفاده درمباحث فقه تربیتی، برای اثبات وجوب تربیت است که تفسیر و استنباط مختلفی از آن، در کلمات مفسران و فقها دیده می‌شود. نتیجه مذاقه در مفاد این آیه، نشان می‌دهد چه مراد از آیه، بیان نهی از ضرر به کودک باشد و چه نهی از ایراد ضرر در فضای خانواده؛ این آیه در مباحث استدلالی فقه تربیت، جایگاه ویژه‌ای دارد و برای تبیین و تعیین وظایف مادر و پدر در امر تربیت فرزندان که از مسائل مهم در مباحث فقه تربیت است، می‌توان از آن بهره گرفت. وظیفه‌مندی والدین نسبت به انجام آنچه به‌عنوان نیازهای جسمی، روحی و معنوی فرزند محسوب می‌شود، از عمده سؤالات این بخش است. همچنین گاه والدین در عین عدم سهل‌انگاری نسبت به تربیت فرزند، کاری که موجب نفع بیشتر فرزند می‌شود را، انجام نمی‌دهند و یا با ترک فعل در برخی موارد موجبات ضرر بر فرزندان را ایجاد می‌کنند، آیا این موارد در قلمرو آیه مضاره تعیین تکلیف شده است؟ بررسی‌ها نشان داد گستره مفهومی «لاتضار»، همه امورمادی اعم از تغذیه کودک، تزریق واکسن، دادن دارو در هنگام بیماری، تهیه پوشاک و لوازم موردنیاز جهت رشد معمول و دیگر مصادیق نیازهای جسمانی کودک، که نپرداختن به آن‌ها موجب ضرر بر او می‌شود را، دربرمی‌گیرد. علاوه براین، رفتارهایی که موجب ضررهای روحی، معنوی و اخلاقی می‌شوند، براساس این آیه، منهی‌عنه هستند. والدین نسبت به فعل‌ها و ترک‌های ضرری که منجر به نقص مادی و معنوی در فرزندان می‌شود، نهی شده‌اند. از مصادیق این امور، می‌توان

به تنبیه موجب نقص جسمی یا ضرر روحی، ترک واکسیناسیون ضروری که منجر به بیماری شود و یا ترک ممانعت از ورود آزادانه و بی حد و مرز، به فضای مجازی که منجر به انحراف فکری و اخلاقی کودک شود، اشاره نمود. البته نهی از ضرر، به معنای الزام بر تحصیل نفع نیست و لذا افاده نفع تنها در صورتی که عرفاً با احتمال معتدبه مقدمه جلوگیری از ورود ضرر در آینده باشد، لازم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این احتمال را، با توجه به مجهول بودن فعل "لاتضر"، می‌توان تعمیم داد و اضرار، از جانب هرکسی از جمله شوهر را، به مادر کودک منهی عنه دانست.
۲. صاحب مناهل در بحث وجوب انفاق بر ولد و بحث تفریق مادر امه و فرزندش، به استلزام ضرر بر فرزند اشاره کرده و آن را با توجه به آیه مضاره باطل می‌داند (همان).
۳. قال سبحانه: «لَا تُضَارَّ الْوَلَدُ».. والمعنى هو أنه يحرم على كل من الطرفين استخدام الولد ذريعة للإضرار بالآخر. أمّا الفقرة الأولى: أى عدم الإضرار بالولادة بولدها، كمنع الرجل المرأة من إرضاع ولدها وهي له أعطف من غيرها، وهذا هو الإضرار بها بسبب ولدها.. أمّا الفقرة الثانية: أى عدم الإضرار «بالمولود» بولده، فهو كاستناع الأم من إرضاع الولد لغاية طلب نفقة فوق قدرته، فهذا إضرار به بسبب ولده، ونتيجة هذا الحكم أنّ الولد ثمرة كلا الطرفين، فعليهما انفاق ما يبيدهما من القدرة لتربيته بعيداً عن المشاكل والاختلافات (سبحانى، خارج فقه نكاح، ۹۸/۲/۴).
۴. ایشان هردو احتمال را درمعنای آیه بیان می‌کند ولی هیچ یک را ترجیح نمی‌دهد. با توجه به بیان تحلیل فوق، شاید بتوان گفت به استنباط هردو معنی از آیه تمایل داشته باشد.
۵. مراجعه به کتب صاحب معالم و محقق قمی نشان می‌دهد که این بزرگواران و عالمان پیشین، عنوان بحث خود را، جواز و عدم جواز ذکر نموده‌اند ولی تقریباً از زمان محقق خراسانی، بحث در این باره، حول امکان و استحاله چنین استعمالی رقم خورده است (فاضل، ۱۳۸۱: ۲/۲۹۰).
۶. «و لا يضار كاتب ولا شهيد» (بقره: ۲۸۲).
۷. جهت جلوگیری از اطاله کلام سند روایات و بررسی سندی آن‌ها، جز در مواردی که ضرورت دارد، حذف شده است.
۸. مضمون روایت شبیه به روایت اول است.
۹. ابتدای روایت همانند روایت ابوالصباح کنانی است که به عنوان روایت اول ذکر شد.
۱۰. این ترجمه با توجه به نقل کافی که کلمه «امه» مرفوع می‌باشد، تنظیم شده است.
۱۱. این احتمال وجود دارد که این روایت و روایت قبل، یکی باشد.
۱۲. ابوحنیفه نعمان نویسنده کتاب دعائم الاسلام، فردی امامی، جلیل القدر و بلندمرتبه است، گرچه روایات این کتاب به دلیل مشکل ارسال، قابل اعتماد نیستند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴/۳۱۲) ولذا روایات این کتاب معمولاً در نزد فقیهان به عنوان موید پذیرفته شده است (خامنه‌ای، خارج فقه قصاص، ۱۳۷۹/۷/۲۵).

۱۳. این روایت در نقل کتاب کافی با عبارت: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ، أَوْ يُضَارَّ أُمُّهُ فِي رِضَاعِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۵۸۶) آمده. یعنی در مورد مادر حرف باء نیامده است.
۱۴. عبارت «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ لَا يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ وَلَا يُضَارَّ بِأُمِّهِ فِي رِضَاعِهِ»، به کیفیتی که می بینید ترجمه شده است. به نظر می رسد ترجمه نسخه مترجم من لایحضره الفقیه، دقیق نباشد. در آن کتاب، معنای این قسمت از روایت چنین آورده شده: نباید مرد بسبب فرزند زیان بیند و یا بسبب شیر دادن مادر بفرزند (صدوق، بی تا: غفاری، بی تا: ۵: ۲۰۱).
۱۵. این نکات براساس نقل صدوق، سند مزبور و قول به اعتبار آن طرح می شود.
۱۶. هیات آن، در قسمت بیان دیدگاه ها بررسی شد.
۱۷. و يلزم عليه (الولی) أن يصونه (الصبی) عما يفسد أخلاقه فضلاً عما يضر بعقائده لأن ذلك من أهم جهات ولايته عليه، بل لم تشرع الولاية إلا لذلك؛ فيلزم عليه القيام بها، و تقتضيه سيرة المتشركة خلفاً عن سلف (همان).

کتابنامه

- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر/ دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- ابوالحسین، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدہ البیان فی احکام القرآن*، تهران، المکتبه الجعفریه، اول، بی تا.
- اعراف، علیرضا، فقه تربیتی، *وظایف نهادهای تربیتی*، ابراهیمی، جواد، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، اول، ۱۳۹۳.
- _____، *تربیت جسمانی*، رجائی، محمدقاسم، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، اول، ۱۳۹۷.
- امامی، مسعود، «*رضاع مادر در قرآن کریم: تبیین احکام مقرر در آیه ۲۳۳ بقره*»، فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۰، ۱۳۹۸.
- امین، نصرت بیگم، *مخزن العرفان*، بی جا، بی نا، اول، بی تا.
- بجنوردی، سید حسن، *القواعد الفقهیه*، قم، نشر الهادی، اول، ۱۴۱۹ق.
- تبریزی، جواد بن علی، *تنقیح مبانی العروه- کتاب الطهاره*، قم، دارالصدیقه الشهیده، اول، ۱۴۲۶ق.
- تجلیل، ابوطالب، *التعلیقہ الاستدلالیہ علی تحریر الوسیلہ*، بی نا، بی جا، اول، بی تا.
- ترابی، مرتضی، *قرآن کریم از منظر اهل بیت علیهم السلام*، مجمع جهانی اهل بیت، اول، ۱۳۸۹.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین، اول، ۱۴۱۰ق.
- حائری، سید محمد طباطبایی، *کتاب المناهل*، قم، مؤسسه آل البيت، اول، بی تا.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
- حسینی، کبری، «*بررسی دلالت های تربیتی آیه ۲۳۳ بقره و بازتاب آن در سیره فاطمی*»، مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی، ش ۱۱، ۱۳۹۸.
- حکیم، سید محسن، *قاعدہ لاضرر و لاضرار- حقائق الاصول*، قم، بصیرتی، پنجم، ۱۴۰۸ق.
- خراسانی، کاظم، *کفایه الاصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چهارم، ۱۴۲۸ق.
- _____ و مشکینی اردبیلی، ابوالحسن (محتشی)، *کفایه الاصول مع حواشی المشکینی*، قم، لقمان، اول، ۱۴۱۳ق.

- خمینی، مصطفی، *تحریرات فی الأصول*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۴۱۸ق.
- خوئی، ابوالقاسم، *مصباح الأصول*، مقرر: واعظ بهسودی، قم، مكتبة الداوری، اول، ۱۴۲۲ق.
- _____ *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم، بی نا، اول، ۱۴۱۸ق.
- _____ *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، اول، ۱۴۱۸ق.
- راوندی، سعید بن عبدالله، *فقه القرآن*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۵ق.
- زركشي، ابو عبد الله محمد، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، لبنان، داراحیاء الكتب العربیه، اول، ۱۴۰۸ق.
- زمخشري، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، مدرسه فقاها، ۱۴۰۷ق.
- زنجانی، موسی شبیری، *كتاب نکاح*، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، اول، ۱۴۱۹ق.
- زین الدین، حسن، *معالم الأصول*، قم، قدس، دوم، ۱۳۷۶
- سبحانی، جعفر، *الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۴۲۴ق.
- _____ *المحصول فی علم الأصول*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۴۱۴ق.
- سبزوارى، سید عبد الأعلى، *مهذب الأحكام*، قم، مؤسسه المنار، چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سعدی ابوجیب، القاموس الفقهی، دمشق، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۸ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، قم، فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۴۰۶ق.
- صدر، سید محمدباقر، *القواعد الفقهية*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- _____ *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*، قم، دارالصادقین للطباعة والنشر، اول، ۱۴۲۰ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *العهدة فی اصول الفقه*، قم، علاقبندیان، اول، ۱۴۱۷ق.
- _____ *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضویه، سوم، ۱۳۸۷ق.
- _____ *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول، ۱۳۸۷ق.
- طیب حسینی، سید محمود، *نقد و بررسی نظریه ای در باب استعمال لفظ دریش از یک معنا*، پژوهش های اصولی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۹۰ق.
- طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، دوم، ۱۳۶۹.

- عراقی، ضیاءالدین، **قاعده لاضرر**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۱۸ق.
- _____، **قاعدة نفی الضرر والاجتهاد والتقليد**، قم، مجمع الفکر الاسلامی، اول، ۱۴۲۰ق.
- عیاشی، محمدبن مسعود، **التفسیر**، تهران، مکتبة العلمية الاسلامية، اول، ۱۳۸۰ق.
- غروی اصفهانی، محمدحسین، **نهاية الدراية**، بیروت، مؤسسه آل البيت، دوم، ۱۴۱۸ق.
- غفوری، خالد، «تبیین واژه مضار در آیه ۱۲ نساء»، قرآن-فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۳
- فاضل لنکرانی، محمد، **اصول فقه شیعه**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، اول، ۱۳۸۱
- فخررازی، محمدبن عمر، **التفسیر الكبير**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.
- فضل الله، علامه محمدحسین، **من وحی القرآن**، بیروت، لبنان، دارالملاک للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق.
- فیومی، احمدبن محمد مقری، **المصباح المنیر**، قم، منشورات دارالرضی، اول، بی تا
- قمی، سید تقی طباطبائی، **مبانی منهاج الصالحین**، قم، منشورات قلم الشرق، اول، ۱۴۲۶ق.
- قمی، شیخ صدوق، محمد، **من لایحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، **قوانین الأصول**، تهران، دوم، ۱۳۷۸ق.
- کاظمی، فاضل، جواد، **مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام**، بی نا، بی جا، بی تا.
- کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب، **الکافی**، قم، دارالحديث للطباعة والنشر، اول، ۱۴۲۹ق.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح، **العناوين الفقهية**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، ۱۴۱۷ق.
- مغربی، ابوحنیفه، نعمان، **دعائم الإسلام**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۳۸۵ق.
- مغنیه، محمد جواد، **التفسیر الکاشف**، قم، دارالکتاب الاسلامی، اول، ۱۴۲۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهية**، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، سوم، ۱۴۱۱ق.
- _____، **انوار الأصول**، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، دوم، ۱۴۲۸ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، اول، بی تا.
- نائینی، محمدحسین، **اجود التقريرات**، قم، مطبعه العرفان، اول، ۱۳۵۲.
- نجاشی، احمدبن علی، **رجال النجاشی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، هفتم، بی تا.
- یزدی، محمد، **فقه القرآن**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، اول، ۱۴۱۵ق.